

تأثیر سیره و رفتار سیاسی حضرت خدیجه علیها السلام در شکل‌گیری و گسترش اسلام

سیدآصف کاظمی^۱

چکیده

در تاریخ باشخصیت‌های تاریخ‌سازی مواجه می‌شویم که با فداکاری‌های خویش خدمات زیادی به جامعه خود و جامعه بشری ارائه داده است. یکی از این نمونه‌ها حضرت خدیجه همسر خردمند و فداکار پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله است که سه دهه پیش از اسلام، در دامن طبیعت حجاز و در کرانه زمزم یادگار هاجر و اسماعیل دیده به جهان گشود و در زندگی پرفراز و نشیب و تاریخ‌سازش نشان داد که دلی به شفافی آینه، اندیشه‌ای به جوشانی زمزم و فطرتی به زلالی آبشارهای بلند و زیبا و پاک و دور از دسترس دارد. خانواده او برخلاف رسم سیاه و منحط جامعه جاهلی عرب، مقدم او را گرامی داشته و خدیجه، طاهره، عفیفه و مبارکه نامیدند. نقش این بانو در تاریخ اسلام بسیار دارای اهمیت است. شخصیتی که ۲۵ سال در بحرانی‌ترین دوران در کنار پیامبر بود و ایشان را در این راه یاری رساند. در این نوشتار برخی سیره و رفتار سیاسی حضرت خدیجه و نقش آن را در پیشبرد اسلام، مورد بررسی قرار می‌دهد و تلاش می‌کند به این پرسش پاسخ دهد که سیره و رفتار سیاسی حضرت خدیجه علیها السلام چه تأثیری در شکل‌گیری و گسترش اسلام داشته است؟ این نوشتار به این یافته‌ها انجامیده است که حیات و گسترش اسلام عزیز مرهون حمایت، مدیریت و رهبری حضرت خدیجه در کنار پیامبر خداست و به برکت همین فداکاری‌ها امروزه اسلام به دین دوم جهانی و گرایش اول در جهان تبدیل شده است. این مهم با موضع‌گیری و رفتارهای شایسته حضرت خدیجه مانند تصدیق و تأیید پیامبر در دوران بسیار سخت ابتدای بعثت، دفاع از حریم رسالت و اسلام نوپا و با حمایت‌های اقتصادی-سیاسی و شکستن تحریم، مشاوره‌های راهگشا و دلسوزانه به دست آمد.

کلیدواژگان

سیره، حضرت خدیجه، اسلام، پیامبر، شعب ابوطالب، جاهلیت

^۱. دانش پژوه دکتری تاریخ معاصر جهان اسلام مجتمع امام خمینی رحمته الله علیه kazemi.ascf@gmail.com
تاریخ دریافت ۱۳۹۵/۹/۳ تاریخ تأیید ۱۳۹۵/۱۰/۳۰.

مقدمه

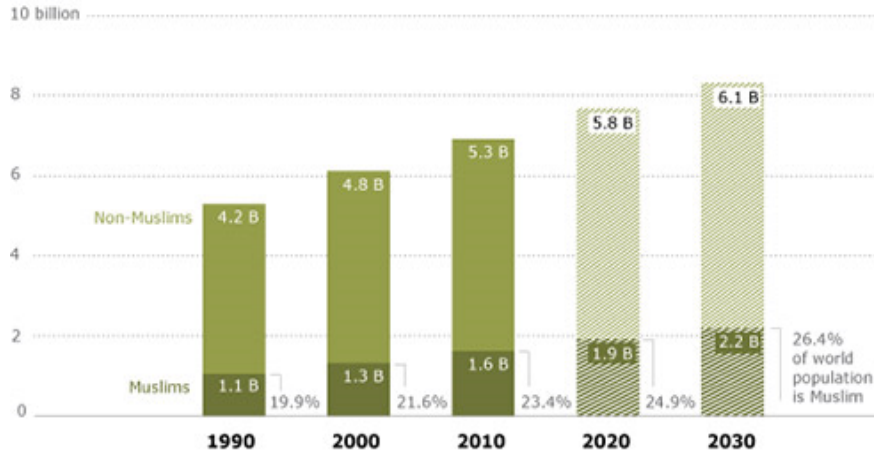
امروزه اسلام به اراده خداوند و به لطف حمایت‌های حضرت خدیجه به دومین دین در جهان و گرایش اول در بین گروندگان تبدیل شده است. طبق پیش‌بینی‌هایی که امروزه در دنیا مطرح می‌شود تا ۴۰ سال آینده اسلام دین اصلی و مسیحیت دین دوم در اروپا خواهد شد. در سال ۲۰۰۰ پاپ اعلام کرد که تا سال ۲۰۱۵ قاره آفریقا را کاملاً به قاره‌ای مسیحی تبدیل خواهیم کرد. آن‌ها به‌واقع چنین همتی را به خرج دادند به‌گونه‌ای که در حال حاضر بیشترین آمار اعزام مبلغان در جهان از طریق کاتولیک‌ها و کلیساهای کاتولیک صورت می‌گیرد. مبلغان مسیحیت با تخصص‌ها و درجات علمی بالا، در دورافتاده‌ترین روستاهای آفریقا یعنی در مناطق کاملاً بدوی و اولیه زندگی و تبلیغ می‌کنند و همان‌جا نیز از دنیا می‌روند.^۱ به لطف و اراده خداوند دین اسلام هم‌چنان گرایش اول در آفریقا نیز به حساب می‌آید.

یکی از گزارش‌های مؤسسه پژوهشی «پیو» در آمریکا نشان می‌دهد که اسلام در هر سال ۲,۹ درصد رشد دارد و این نرخ رشد بیش از نرخ رشد جمعیت جهان است که هر سال حدود ۲,۳ درصد هست. در اواسط سال ۲۰۱۰ مؤسسه پیو تخمین زد که جمعیت مسلمانان حدود ۱,۷۵ میلیارد نفر است که ۲۲ درصد جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند و پیش‌بینی می‌شود که تا ۲۰ سال آینده، جمعیت مسلمانان جهان ۳۵ درصد افزایش یابد. اسلام دومین دین بزرگ جهان است و بعد از مسیحیت که ۲ میلیارد پیرو دارد و ۳۳ درصد جمعیت جهان را تشکیل می‌دهد، قرار گرفته است. بخش دین و زندگی عمومی مؤسسه پژوهشی پیو عنوان کرد: اسلام پرسرعت‌ترین دین در حال رشد در اروپا است و تعداد مسلمانان اروپا در ۳۰ سال گذشته سه برابر شده است. اکثر جمعیت شناسان پیش‌بینی می‌کنند که جمعیت مسلمانان در دهه‌های پیشرو بالاتر از جمعیت مسیحیان شود.^۲

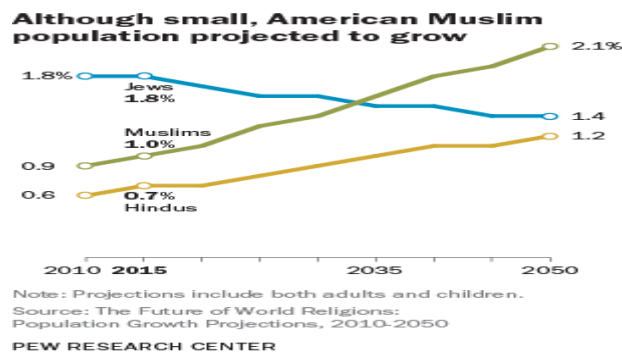
1. <http://www.hamshahrionline.ir/details/306799/world/europe>.

2. <http://iqna.ir/fa/news/1384904>.

Muslims as a Share of World Population, 1990-2030



مرکز تحقیقات پیو همچنین درباره جمعیت مسلمانان آمریکا تخمین زده است که تا سال ۲۰۵۰ سهم مسلمانان از کل جمعیت آمریکا دو برابر وضعیت فعلی خواهد بود. این تخمین جدید موسسه پیو مبتنی بر محاسبه آماری جمعیت مسلمان و سایر ادیان آمریکا از سال ۲۰۱۱ به بعد است و نشان می‌دهد که گرایش به اسلام نسبت به دیگر ادیان به‌خصوص یهودیت و هندوها در آمریکا بیشتر است. گزارش نشان می‌دهد که تا قبل از سال ۲۰۴۰ مسلمانان دومین گروه مذهبی آمریکا، پس از مسیحیان خواهند بود.^۱



1. <http://pewresearch.org>.

در آماری دیگر که به سال ۱۹۸۶ میلادی انتشار یافته، ۵۲ کشور، اسلامی معرفی شده که بیش از ۵۰٪ مسلمان داشته‌اند.^۱ مسلمانان در سرتاسر جهان زندگی می‌کنند. تعداد کشورهایی که مسلمانان در آن‌ها زندگی می‌کنند، ۲۰۸ کشور است، حدود ۸۵ درصد مسلمانان جهان، در خارج از دنیای عرب به سر می‌برند. در گسترش اسلام و تبدیل شدن به دین جهانی و گرایش اول عوامل تاریخی زیادی نقش داشته است. این تحقیق در پی نقش تاریخی حضرت خدیجه علیها السلام است که در تاریخ اسلام بسیار دارای اهمیت است و هیچ‌کس در اهمیت و تعیین‌کننده بودن آن در تاریخ اسلام تردیدی ندارد و این موضوع با رجوع به متون تاریخی و احادیث و روایات رخ می‌نماید و نیز چنین ویژگی شاید با مرور زندگی شخصیتی نظیر حضرت خدیجه علیها السلام به‌عنوان کسی که ۲۵ سال در بحرانی‌ترین دوران صدر اسلام در کنار پیامبر بود، بیش از پیش جلوه‌گر شود. شخصیتی که با رفتار و منش خود سبب احیای و گسترش اسلام گردید. به قول شهید مطهری «هنگام مبعث، چهره بانویی را مشاهده می‌کنیم که در آن وقت، سخت مایه تسلی خاطر پیامبر صلی الله علیه و آله بوده است و در نهایت صمیمیت، تمام هستی خود را نثار اسلام کرده است. این بانو، «خدیجه» محترمه است که پانزده سال از حضرت محمد صلی الله علیه و آله بزرگ‌تر بوده و وقتی از دنیا رفت، تقریباً ۶۵ ساله بود؛ اما رسول خدا تا پایان عمر او را فراموش نمی‌کرد و نامش که برده می‌شد، گاهی اشک در چشمش حلقه می‌زد و می‌گفت: نمی‌دانید از وقتی که مرا تنها گذاشته بودند، این زن چه فداکاری‌ها کرد».^۲ این نوشتار تأثیر برخی از سیره و رفتار سیاسی حضرت خدیجه را در پیشبرد و گسترش اسلام مورد بررسی قرار داده است.

۱. گلی زواره، غلامرضا، سرزمین اسلام، ص ۶۹-۷۰.

۲. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار ج ۱۷، ص ۴۰۴.

حضرت خدیجه

خدیجه دختر خویلد بن اسد بن عبدالعزی بن قصی القرشیه الاسدیہ^۱ مشهور به خدیجه کبری علیها السلام، ام المؤمنین، نخستین همسر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و مادر حضرت زهرا علیها السلام است. خدیجه علیها السلام قبل از بعثت با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ازدواج کرد و اولین زنی است که به پیامبر صلی الله علیه و آله ایمان آورد.^۲ پیامبر صلی الله علیه و آله در طول حیات او همسری دیگر برنگزید و پس از درگذشت وی همواره از او به نیکی بسیار یاد می‌کرد. کنیه خدیجه ام هند بود او در مکه، حدود سه یا چهار دهه قبل از آغاز بعثت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به دنیا آمد و در همان شهر، در خانه پدرش که فردی از بزرگان مورد احترام قومه و هم‌پیمان با بنی عبدالدار بن قصی بود، رشد یافت.^۳

منابع تاریخی درباره شخصیت خدیجه علیها السلام پیش از اسلام، گزارش چندانی ارائه نکرده‌اند. آنچه مسلم است که او فردی ثروتمند و تجارت پیشه بود و سرمایه خود را به صورت مضاربه و استخدام افراد برای تجارت به کار می‌گرفت.^۴ منابع تاریخی به جایگاه بالای اجتماعی و حسن شهرت او در شرف و نسب اشاره دارند چنان‌که ابن سیدالناس در این باره آورده است: «او زنی شریف و با درایت بود که خداوند خیر و کرامت برای او در نظر گرفته بود. به لحاظ نسب در طبقه متوسط از انساب عرب جای داشت، اما دارای شرافتی عظیم و ثروتی زیاد بود.»^۵ بلاذری نیز از قول واقدی گفته است: «خدیجه علیها السلام بنت خویلد، زنی با اصل و نسب و تاجری ثروتمند بود.»^۶ گزارش‌های متعددی درباره جایگاه خاص حضرت خدیجه نزد پیامبر صلی الله علیه و آله وجود دارد. در برخی منابع آمده است که حضرت خدیجه علیها السلام بهترین و صادق‌ترین وزیر، مشاور و مایه آرامش پیامبر صلی الله علیه و آله

۱. ابن اثیر جزری، علی بن محمد، أسد الغابه فی معرفة الصحابه، ج ۶، ص ۷۸؛ ابن هشام، سیره ی نبوی، ج ۱ ص ۲۲۶.
۲. مسعودی، علی بن حسین، مروج الذهب، ج ۳، ص ۲۸۳.
۳. ابن سعد، محمد، الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۱۱.
۴. ابن کثیر، ابوالفداء، البدایة و النهایة، ج ۲، ص ۲۹۳.
۵. ابن سیدالناس، عیون الاثر، ج ۱، ص ۶۳.
۶. بلاذری، احمد بن یحیی، الانساب الاشراف، ج ۱، ص ۹۸.

بود.^۱ رسول خدا ﷺ از سن ۲۵ تا ۵۰ سالگی، یعنی قریب ۲۵ سال از عمرش را که تمام دوران جوانی آن حضرت بود، با خدیجه گذراند و تا خدیجه زنده بود، با زن دیگری ازدواج نکرد. بعد از درگذشت آن بانوی مکرمه نیز همیشه از او یاد می‌کرد و او را بهترین همسرش می‌دانست. پیامبر ﷺ سال‌ها پس از رحلت خدیجه علیها السلام به یاد او بود و بی‌نظیر بودنش را مطرح می‌نمود. هنگامی که به پیامبر ﷺ گفته شد خدیجه علیها السلام بیش از همسری مسن برای شما نبود، پیامبر بسیار ناراحت شد، بارد این سخن چنین گفت: «خداوند هیچ‌گاه برایم همسری بهتر از او جایگزین نکرد، او مرا تصدیق نمود هنگامی که هیچ‌کس مرا تصدیق نکرد، یاری‌ام کرد در زمانی که هیچ‌کس مرا یاری ننمود، از مالش در اختیارم قرارداد، زمانی که همه مالشان را از من دریغ کردند.»^۲

در یکی از اسناد چنین تاریخی آمده است: خدیجه در زیبایی ظاهر و باطن، زیباترین زن روزگارش بود و از نظر خرد خردمندترین و دانشمندترین آنان. او در پاک روشی، دین‌باوری و خداجویی، وقار و حیا و عزت و آزادگی آراسته‌ترین‌ها بود و در ثروت و امکانات، ثروتمندترین آنان.^۳ او در چنان اوج معنوی بود که «ابوطالب» توحیدگرای «بنی‌هاشم» به هنگام خواندن خطبه عقد ازدواج پیامبر و حضرت خدیجه علیها السلام که حدود ۱۵ سال قبل از بعثت اتفاق افتاد، جناب خدیجه را بانویی در اوج کمال و بالندگی و خوبی و از هرگونه نقطه نازیبای زمانه به دور وصف می‌کند: «انَّ خَدِيجَةَ امْرَأَةً كَامِلَةً مِّمُونَةٌ فَاضِلَةٌ تَخْشَى الْعَارَ وَ تَحْذَرُ الشَّنَارَ.»^۴

دهم رمضان سال دهم بعثت نقطه پایان بر ۲۵ سال همراهی خدیجه، بانوی آسمانی با رسول خدا ﷺ بوده خدیجه بعد از ۲۵ سال همراهی و همگامی، در ۶۵

۱. ابن کثیر، ابوالفداء، البداية و النهاية، ج ۲، ص ۶۱؛ ابن اثیر، أسدالغابه فی معرفة الصحابه، ج ۱، ص ۲۶.

۲. ابن عبدالبر، الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۸۲۴.

۳. ابن سیدالناس، محمد بن محمد، عیون الأثر ج ۱، ص ۶۳؛ ابن اثیر، علی بن محمد، الكامل فی التاریخ ج ۲، ص ۴۰؛ ابن هشام، السیرة النبویة ج ۱ ص ۱۸۹.

۴. بکری، احمد بن عبدالله، الأنوار فی مولد النبی صلی الله علیه و آله، ص ۳۰۸؛ بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۵۶.

۵. مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، ج ۲۱، ص ۳۵۲.

۶۵ سالگی چشم از جهان فرو بست و رسول الهی را در فراقی جان‌سوز تنها گذاشت. این واقعه دردناک که به فاصله اندکی از وفات ابوطالب علیه السلام روی داد، چنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را متأثر کرد که آن سال را «عام الحزن» نامید. به نقل علامه مجلسی بعد از این واقعه خانه‌نشین شده و کمتر از خانه بیرون می‌رفت.^۱

جایگاه خدیجه نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز بسیار جالب و خواندنی است. در روایت رسول خدا صلی الله علیه و آله، خدیجه از زنان بهشتی و از بهترین زنان و در کنار حضرت مریم بن عمران و آسیه که قرآن کریم به بهشتی بودن آنان بشارت داده، یاد شده است.^۲ در ثنای او همین بس که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «سوگند به خدا که حق تعالی بهتر از او به من نداد. وی ایمان آورد؛ در حالی مردم کافر بودند. مرا تصدیق کرد؛ زمانی که مردم مرا تکذیب کردند. مرا با اموالش همراهی کرد. خداوند مرا از او به فرزندان روزی داد؛ هنگامی که مرا از فرزندان زنان دیگر محروم کرد.»^۳

حضرت خدیجه نیز همواره احترام پیامبر صلی الله علیه و آله را رعایت می‌نمود. خدیجه به‌رغم اموال فراوان و موقعیت اجتماعی ویژه‌ای که داشت، در برخورد با رسول اکرم همواره حرمت او را پاس می‌داشت و کوچک‌ترین رفتاری که نشانی از اظهار برتری دهد از خود بروز نمی‌داد. جلوه‌ای عالی از این رفتار را می‌توان در ماجرای عروسی آن دو سراغ گرفت. آن‌گاه که مراسم عقد و جشن پایان یافت و پیامبر می‌خواست به خانه عمویش ابوطالب برگردد، ملکه بطحا و بانوی قریش که اینک همسر او شده بود، این‌گونه او را مخاطب قرار می‌دهد: «الی بیتک فبیتی بیتک و انا جاریتک»^۴.

۱. همان، ج ۱۹، ص ۲۱.

۲. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، ج ۴، ص ۲۷۸؛ طبرانی، سلیمان بن احمد، المعجم الکبیر، ج ۱۱، ص ۲۶۶.

۳. طبری، محب الدین، الریاض النضره، ج ۱، ص ۱۰۹.

۴. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار ج ۱۶، ص ۴؛ قطب راوندی، سعید بن هبه‌الله، الخرائج و الجرائح، ج ۱، ص ۱۴۱.

جایگاه زن پیش از اسلام

بامطالعه آثار اندیشمندان و صاحب نظران در تاریخ جاهلیت و با استفاده از اخبار تاریخی متعدد، با گزارش تاریک و اسفباری از اوضاع زن و خانواده در عصر جاهلی برمی خوریم. کراهت از دختران و زنده به گور کردن آنها، انواع ازدواج‌های ظالمانه، عدم حق انتخاب در ازدواج، محرومیت از ارث و به ارث رفتن زن مانند دیگر کالاها، نمونه‌ای از جایگاه زن در عصر جاهلی پیش از اسلام است. در جاهلیت، مرد صاحب اختیار خانواده و به تعبیری گویاتر، مالک خانواده بود و بر زن و فرزندان حق حیات داشت و زن در ردیف سایر انسان‌ها قلمداد نمی شد، بلکه انسان درجه دو محسوب می شد. گفته خلیفه دوم در مورد وضعیت زنان در جاهلیت گواه خوبی است. او اعتراف می کند که زنان در جاهلیت هیچ به حساب نمی آمدند: «کنا فی الجاهلیة لانعد النساء شیءاً»^۱. بر اساس روایتی، اعراب زنان را همچون کالایی می شمردند که (اگر از خود پسری نداشت) پس از مرگ شوهر، در شمار دیگر اموال و ثروت شوهر، به پسر شوهر از زن‌های دیگر منتقل می شد.^۲ در فرهنگ جاهلی دختران مورد کراهت و در مرتبه پایین تری از پسران قرار داشتند. جالب اینکه، خود زنان هم این اندیشه را پذیرفته بودند. وقتی از زنی در مورد بهترین زنان سؤال می شود می گوید: بهترین زن کسی است که پسری در شکم، پسری در بغل و پسری که پشت سرش راه می رود، داشته باشد.^۳ نمونه‌های فراوانی از این کراهت در منابع جاهلیت وجود دارد. نفرت داشتن از دختران گاهی به زنده به گور کردن آنها منجر می شد. تصریح قرآن کریم به این عمل زشت و تکرار آن، نشانی از سنگینی این مسئله است: و هنگامی که به یکی از آنها بشارت دهند دختر نصیب تو شده، صورتش (از ناراحتی) سیاه می شود و به شدت خشمگین می گردد. به خاطر بشارت بدی که به او داده شده از قوم و قبیله خود متواری می گردد (و نمی داند) آیا او را با قبول ننگ ننگه دارد یا در

۱. بخاری، صحیح بخاری، ج ۶، ص ۶۹.

۲. کلینی، الفروع من الکافی، ج ۶، ص ۴۰۶؛ پیشوایی، مهدی، تاریخ اسلام، ص ۴۸.

۳. احمد امین، سلیم، جوانب من تاریخ و حضارة العرب فی العصور القدیمة، ص ۲۵۳.

خاک پنهانش کند؟ آگاه باشید که بد حکم می‌کنند.^۱ و در آن هنگام که از دختران زنده‌به‌گور شده سؤال شود به کدامین گناه کشته شدند؟^۲

منابع تاریخی در کنار محرومیت‌های فراوانی که زن در جاهلیت دچار آن بود، دو محرومیت مالی را گزارش کرده‌اند؛ محرومیت از ارث و مهریه که از بارزترین محرومیت‌های اقتصادی زنان در آن دوران است. زن جنس درجه‌دو و در خدمت منافع قبیله و مردان آن قبیله بود. وضعیت و مشارکت سیاسی زنان در این عصر با توجه به همین مطالب کلی قابل تبیین است.^۳

سیره سیاسی و رفتار سیاسی حضرت خدیجه علیها السلام

درباره تأثیر ثروت حضرت خدیجه و کمک اقتصادی آن حضرت در پیشرفت اسلام تردیدی وجود ندارد و تحقیق‌های نیز انجام گرفته است این تحقیق در پی نقش و تأثیر سیره و رفتار سیاسی حضرت خدیجه علیها السلام در شکل‌گیری و گسترش اسلام است. تأثیر سیره و رفتار سیاسی حضرت خدیجه در پیشبرد اسلام کمتر از حمایت‌های اقتصادی ایشان نیست. در زیر چند نشانه از رفتارهای سیاسی حضرت خدیجه و تأثیر آن در پیشرفت اسلام مورد بررسی قرار می‌گیرد.

تصدیق و تأیید پیامبر در دوران اختناق

نیاز به پیرو و یار و یاور برای آغاز هر انقلاب و نهضت‌ها است. رهبران انقلاب برای پیشبرد اهداف انقلاب نیازمند یاور، اعضا و امت هستند. در انقلاب جاودانه پیامبر مهر و رحمت، به اتفاق مورخان حضرت خدیجه علیها السلام به همراه حضرت علی علیه السلام اولین کسانی بودند که به آن حضرت ایمان آوردند و در این راه تمام سختی‌ها را به جان خریدند. روشن است که اعلام ایمان و پیروی در آغاز انقلابی که رهبر آن هیچ قدرت و ثروتی ندارد و حتی در ظاهر، امید هیچ

۱. سوره نحل آیه ۵۸ - ۵۹.

۲. سوره تکویر آیه ۸ - ۹.

۳. برای اطلاعات بیشتر نک: محمد جواد واعظی، وضعیت زن در جاهلیت، سال ششم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۸۸، ص ۱۳۵ - ۱۵۹.

پیروزی نیز در کار نیست، خود بزرگ‌ترین حمایت برای رهبری آن انقلاب به شمار می‌رود؛ اگر نه ایمان آوردن بعد از کسب پیروزی و قدرت، از لحاظ ارزش و تأثیر قابلیت مقایسه با ایمان و پیروی در آغاز انقلاب را ندارد. روشن است که این سختی‌ها در آغاز یک انقلاب، به دلیل فقدان پشتوانه مالی و نظامی، از کم و کیف بیشتری برخوردار است و طبیعتاً پیروی از یک رهبر در این ایام ارزش و اهمیت والایی داشته و در پیشبرد اهداف انقلابی رهبری تأثیر بنیادینی دارد. از این منظر ایمان آوردن حضرت خدیجه علیها السلام و حضرت علی علیه السلام در اولین ساعات بعثت نبی مکرم صلی الله علیه و آله و پیروی این هر دو از آن حضرت از اهمیت والایی برخوردار است. سبقت در ایمان مانند هجرت قبل از فتح است.^۱ از این رو خدیجه علیها السلام پس از نزول نخستین آیات الهی در غار حرا و اطمینان خدیجه علیها السلام به وی که او همان رسول آخر زمان است ایشان را تصدیق نمود.^۲

هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله به رسالت مبعوث گردید و تا مدت سه سال دعوت پنهانی آن حضرت، تنها چند نفر محدودی از خاندان ایشان اسلام آوردند. در میان مردان، نخستین شخص، حضرت علی علیه السلام و از میان زنان، خدیجه اولین فردی بود که به پیامبر و آرمان‌های او ایمان آوردند.^۳ حضرت خدیجه ضمن ایمان به نبوت و اهداف رسول خدا، از اطلاعات ارائه‌شده تاریخی در مورد خدیجه علیها السلام بیانات پیامبر با او پس از نزول نخستین آیات الهی در غار حرا و اطمینان خدیجه علیها السلام به وی است.^۴ بنا بر شرایط سیاسی و اجتماعی حاکم بر جامعه عصر جاهلی، اسلام حضرت خدیجه، نیروی تبلیغی رسول خدا صلی الله علیه و آله را بالا برده و راهکاری مناسب برای برون‌رفت از مشکلاتی را فراهم آورد که اسلام نیاوردن برخی نزدیکان پیامبر صلی الله علیه و آله برای آن حضرت به وجود آورد. حضرت خدیجه نه تنها ایمان آورد که ایمانش را در شرایط خفقان آن روز علنی بیان می‌ساخت. کیفیت حضور خدیجه در نماز همراه رسول خدا صلی الله علیه و آله علاوه بر آن که

۱. لَا تَعْرُبُ بَعْدَ الْهَجْرَةِ وَلَا هِجْرَةَ بَعْدَ الْفَتْحِ. کلینی، الکافی، ج ۵ ص ۴۴۴؛ حرانی، تحف العقول، ص ۳۸۱.

۲. همدانی، رفیع الدین اسحاق، سیرت رسول الله، ج ۲، ص ۴۵.

۳. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۱، ص ۳۷۸؛ ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۱۵.

۴. همدانی، رفیع الدین اسحاق، سیرت رسول الله، ج ۲، ص ۴۵.

مایه خوشحالی و آرامش خاطر پیامبر صلی الله علیه و آله بود، زمینه توسعه و ترویج فرهنگ اسلام نیز به‌ویژه در بین جامعه زنان را فراهم ساخت. از این‌رو موضوع پذیرش اسلام در سال‌های جهل و گمراهی و نیز تقیه شدید در شرایط خوفناک و وحشتناک آن عصر خود رفتار معنادار و هدف‌دار است.

برخورد ارزشی نسبت به پیامبر صلی الله علیه و آله

یکی از مهم‌ترین ویژگی حضرت خدیجه علیها السلام نسبت به پیامبر، درک و برخورد ارزشی با پیامبر در برابر فریندگی‌های ظاهری و دنیوی است. حضرت خدیجه معنای کمالات انسانی را به‌خوبی درک نمود و توانست آن را در وجود پیامبر اکرم بیابد. از این‌رو حاضر شد تمام شخصیت و دارایی خود را فدای رسول خدا کند. او در این راه هم از مال خود گذشت، هم از موقعیت اجتماعی‌اش. خدیجه برای درک این کمال واقعی، قالب‌های جاهلی را شکست و بهایی سنگین از جمله قطع رابطه زنان، حتی تا زمان تولد حضرت فاطمه علیها السلام را به جان خرید. خدیجه علیها السلام این نوع نگرش خود را هنگام ابراز تمایل به ازدواج، این‌گونه با پیامبر مطرح کرد: «باین عم انی رغبت فیک لقرابتک و سعلتک فی قومک و امانتک و حسن خلقک و صدق حدیثک. ای پسرعمو، من به خاطر خویشاوندی، شرافت تو در بین مردم، امانت‌داری، خوش‌خلقی و راست‌گویی‌ات به تو تمایل پیدا کردم.»^۱ این نوع نگرش و رفتار، در جامعه‌ای که عموم توده‌ها بر اساس ظواهر و زرق‌وبرق‌های دنیوی روابط خود را پایه‌ریزی می‌کنند، نمی‌توانست بدون پیامدهای تلخ و ناگوار باشد، لذا به فاصله‌ای اندک از پخش خبر ازدواج وی با امین قریش، گروهی از زنان به عیب‌جویی از وی روی آوردند و در محافل خود او را سرزنش کردند. آنان می‌گفتند: «او با این همه حشمت و شوکت بایتم ابوطالب که جوانی فقیر است ازدواج کرد. چه ننگ بزرگی!» خدیجه علیها السلام در مقابل این جهالت‌ها ساکت نشست و آن‌ها را به‌صرف نهار دعوت کرد و بعد از پایان مراسم گفت: «ای زنان! شنیده‌ام شوهران شما (و خودتان) در مورد

۱. ابن هشام، سیره نبوی، ج ۱، ص ۲۰۱؛ طبری، تاریخ طبری، ج ۱، ص ۵۲۱.

ازدواج من با محمد صلی الله علیه و آله خرده گرفته‌اید و عیب‌جویی می‌کنید، من از خود شما می‌پرسم آیا در میان شما، شخصیتی مثل محمد وجود دارد؟ آیا در گستره مکه و اطراف آن شخصیتی در فضائل و اخلاق نیک، مانند او سراغ دارید؟ من به خاطر این ویژگی‌ها با او ازدواج کردم و چیزهایی از او دیده‌ام که بسیار عالی است. پس شایسته نیست شما این‌گونه سخن بگویید و نسبت‌های ناروا به دیگران دهید.» زنان قریش بعد از این سخنان خدیجه، همگی سکوت اختیار کردند و به تدریج پراکنده شدند.^۱

حضرت خدیجه علیها السلام علاوه بر کمک به اهداف دعوت پیامبر صلی الله علیه و آله به عواطف آن حضرت نیز همواره پاسخ مثبت می‌داد؛ چنان‌که وقتی حلیمه سعدیه، دایه رسول خدا صلی الله علیه و آله نزد آن حضرت آمد و حلیمه از خشک‌سالی و هلاکت چهارپایانش شکات کرد، رسول خدا صلی الله علیه و آله با خدیجه علیها السلام در این باره سخن گفت و آن حضرت، چهل گوسفند و یک شتر بارکش به او داد و با نیکی او را به خانواده‌اش بازگرداند.^۲ نمونه دیگر ثویبه دایه دیگر رسول اکرم صلی الله علیه و آله است. وی با اینکه چند روزی بیشتر آن حضرت را شیر نداده بود علاوه بر اینکه مورد لطف و محبت رسول الله صلی الله علیه و آله قرار گرفت، مورد تقدیر حضرت خدیجه علیها السلام نیز واقع شد و از عنایات او بی‌بهره نماند. حضرت خدیجه ضمن نیکی به او، از ابولهب عموی آن حضرت خواست ثویبه را به او بفروشد تا آزادش کند؛ ولی ابولهب پیشنهاد خدیجه را نپذیرفت و از فروختن وی سرباز زد.^۳ خریدن زیدبن حارثه و بخشیدن آن به رسول خدا صلی الله علیه و آله از نمونه‌های دیگر است. هنگامی که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در بازار نوجوان زیارویی را دید که از عقل و ادب برخوردار بود، فرمود: اگر نزد من مالی بود او را خریداری می‌کردم.^۴ حضرت خدیجه به محض شنیدن سخن آن حضرت، زید را به هفت صد درهم خرید و آن را به رسول صلی الله علیه و آله

۱. مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۸۱.

۲. بلاذری، احمد بن یحیی انساب الاشراف، ج ۱، ص ۱۰۵.

۳. همان، ص ۱۰۶.

۴. ابن عساکر، علی بن الحسین، تاریخ مدینه دمشق، تحقیق علی شیری، ج ۱۰، ص ۱۳۷.

اهدا کرد و سپس آن حضرت زید را آزاد ساخت.^۱

حضرت خدیجه با این همه سختی و فشار، خم به ابرو نمی آورد و در تمام دوران زندگی قبل و بعد از بعثت به سان بانویی شفیق، برگرد وجود پیامبر می گشت و با سیمای خندان خود غم‌ها را از رخ پیامبر می زدود و در این بین به سان یاور، وزیر و کمک‌رسانی توانمند او را یاری می کرد. ابن هشام می نویسد: خدیجه به پیامبر ایمان آورد، گفتارش را تصدیق کرد و او را یاری داد. خداوند به وسیله او به پیامبرش آرامش داد به نحوی که هیچ خبر ناراحت‌کننده‌ای از قبیل رد و تکذیب را نمی شنید مگر این که خداوند به وسیله خدیجه گشایش برایش ایجاد می کرد. وقتی خدا پیامبرش را به خدیجه برمی گرداند، دشواری‌ها را بر او آسان می کرد و تصدیقش کرده، اعمال مردم را (که موجب آزار شده بود) بی اهمیت جلوه می داد. رحمت خدا بر او باد.^۲

علامه مجلسی نقل می کند: در سال‌های آغازین بعثت بود که حضرت رسول اکرم ﷺ با سیمایی غمگین و محزون از غار حرا به خانه برگشت. خدیجه علیها السلام می گوید، به پیامبر گفتم: نشانه اندوه در چهره‌ات می بینم، چه شده است؟ فرمود: علی از من جدا شده و معلوم نیست کجاست؟ در مورد آسیب‌رسانی مشرکان به وی نگرانم. به رسول خدا ﷺ عرض کردم: بر شترم سوار می شوم، یا او را می یابم و یا مرگ بین من و او فاصله می‌اندازد. خدیجه سوار شتر شد و به جست‌وجو پرداخت تا آن‌که حضرت علی علیه السلام را پیدا نمود و آنگاه به سوی خانه برگشت و با دادن خبر سلامتی علی، پیامبر را خوشحال کرد به اندازه‌ای که پیامبر یازده بار شکرًا للمجیب گفت.^۳ خدیجه علیها السلام دارای ویژگی و کمالات فراوان است

۱. ابن اثیر، علی بن محمد، اسد الغابة، ج ۲، ص ۳۵۱.

۲. ابن هشام، سیره نبوی، ج ۱، ص ۲۴۹.

۳. فَخَرَجَتْ فَطَلَبَتْهُ فَإِذَا هِيَ بِشَخْصٍ فَسَلَّمَتْ لِيُرِدَ السَّلَامَ لَتَعْلَمَ عَلِيٌّ هُوَ أُمَّ لَا فَقَالَ وَ عَلَيْكَ السَّلَامُ أ خَدِيجَةَ قَالَتْ نَعَمْ وَ أَنَاخَتْ ثُمَّ قَالَتْ يَا بِي وَ أُمِّي أَرْكَبُ قَالَ أَنْتِ أَحَقُّ بِالرُّكُوبِ مِنِّي إِذْ هَبِي إِلَى النَّبِيِّ ص فَبَشَّرَنِي حَتَّى آتَيْتُكُمْ فَأَنَاخَتْ عَلَيَّ الْبَابَ وَ رَسُولُ اللَّهِ ص مُسْتَلْقٍ عَلَيَّ قَفَاهُ يَمْسَحُ فِيمَا بَيْنَ نَحْرِهِ إِلَى سُرْتِهِ بِيَمِينِهِ وَ هُوَ يَقُولُ اللَّهُمَّ فَرِّجْ هَمِّي وَ بَرِّدْ كَبِدِي بِخَلِيلِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ حَتَّى قَالَهَا ثَلَاثًا قَالَتْ لَهُ خَدِيجَةُ قَدْ اسْتَجَابَ اللَّهُ دَعْوَتَكَ فَاسْتَقِلَّ قَائِمًا رَافِعًا يَدَيْهِ وَ يَقُولُ شُكْرًا لِلْمَجِيبِ قَالَهُ إِحْدَى عَشْرَةَ مَرَّةً. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۰، ص ۶۶؛ کوفی، فرات بن ابراهیم، تفسیر فرات الکوفی، ص ۵۴۸.

که او پیامبر را دل‌داری می‌داد، به او امید می‌بخشید و در برابر بی‌مهری و خشونت، پناهش می‌داد و غرق مهرش می‌ساخت و مدیر داخلی کانون گرم و باصفایی بود که پیامبر صلی الله علیه و آله از آن سنگر، به تسخیر کشور دل‌ها کمر همت بسته بود و بدین جهت، مشاور آگاه و وزیر خردمند و شجاع پیامبر صلی الله علیه و آله بود.

دفاع از حریم رسالت

در ابتدای بعثت، حفظ جان پیامبر صلی الله علیه و آله و دفاع و حمایت از آن حضرت از مهم‌ترین وظایف کسانی بود که علی‌رغم مشکلات و تنگناهای موجود در جامعه نوپای اسلام، به حقانیت پیامبر صلی الله علیه و آله و آیین او ایمان آورده بودند. تعداد انگشت‌شماری با استفاده از موقعیت اجتماعی، سیاسی و دیگر توانایی‌های خود، به این امر می‌پرداختند که یکی از مهم‌ترین این افراد حضرت خدیجه علیها السلام بود. رسول خدا صلی الله علیه و آله از هنگامی که به رسالت مبعوث شدند تا زمانی که به مدینه هجرت کردند در مکه مورد آزار و اذیت فراوان قرار گرفتند. بزرگان قریش و حتی عموهای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله علاوه بر تشویق و تحریک مردم و کودکان جهت آزار و اذیت به پیامبر صلی الله علیه و آله، خود نیز به‌طور مستقیم از هیچ تلاشی در این زمینه دریغ نداشتند. آن بانوی بزرگوار در مواردی علاوه بر اطلاع و پیش‌گیری از اقدام آنان، خود مستقیماً به صحنه می‌آمد و به حمایت و دفاع از پیامبر مهر و رحمت می‌پرداخت.

این نوع سیره و رفتار سیاسی حضرت خدیجه را می‌توان از رفتار و پاسخ پیامبر نسبت به سیره حضرت خدیجه نیز فهمید. این گزارش در کتاب‌های اهل سنت از قول همسر دیگر پیامبر عایشه آمده که: از بس پیامبر از خدیجه یاد می‌کرد و برای دوستان خدیجه نیز هدیه می‌فرستاد و همیشه ذکر خیر خدیجه را می‌کرد گاهی من احساس حسادت می‌کردم. یک روز گفتم یا رسول‌الله چقدر اسم این زن را می‌بری او که پیرزنی بیش نبود، حالا شما یک همسر جوان و زیبا دارید. پیامبر در جوابم فرمود: «خدیجه اولین زنی بود که به من ایمان آورد و

در زمانی که همه مرا ترک کردند او یاری ام کرد»^۱.

از دست دادن خدیجه برای پیامبر بسیار گران تمام شد. وقتی حضرت خدیجه، چند روز بعد از ابوطالب از دنیا رفت این امر برای پیامبر واقعاً مصیبت و سختی بزرگی بود. پیامبر آن سال را «عام الحزن» یعنی سال اندوه نامیدند زیرا پیامبر در این سال دو حامی و پشتیبان فوق العاده مهم خود را از دست دادند. هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله از آزارها در فشار بود و از دشواری‌ها رنج می‌برد، در خانه آغوش گرم همسری مهربان منتظر او بود تا وجودش را تسلی دهد و خاطر او را از بار اندوه و غم بکاهد.^۲ به گفته ابن سعد بعد از رسالت پیامبر و ازدواج آن حضرت با حضرت خدیجه، زمینه بسیار مناسبی در جهت رشد و تعالی رسالتش فراهم شد.^۳ آری او خدیجه علیها السلام بود همان زن باایمان و گران‌قدری که یاور و شریک شوهرش در سختی‌های مسیر رسالتش بود و با تمام توان مدافع رسالت حضرت و در این راه از هیچ تلاشی فروگذار ننمود و سختی‌های زیادی را بر جان خرید.

حضرت خدیجه علیها السلام در مکه که مظهر بت‌پرستی، ظلم و فقر بود، با تمام توان با پیامبر صلی الله علیه و آله همکاری نمود و تمام اموال خود را صرف کرد به طوری که در آخر عمر از نظر مادی چیزی نداشت. کسی نمی‌تواند منکر شود که چه اندازه حضرت خدیجه علیها السلام به پیامبر صلی الله علیه و آله کمک نمود و در رسالت او و گسترش اسلام همکاری داشته است و زمانی که عایشه به جهت حسادت حرفی توهین‌آمیز درباره‌ی خدیجه علیها السلام زد، پیامبر صلی الله علیه و آله بر خوردی جدی نسبت به عایشه کرد و فرمودند: فرمود: «خدیجه و این مثل خدیجه صدقتی حین یکذبنی الناس و ایدتنی علی دین الله و اعانتنی علیه بمالها ان الله عز و جل امرنی ان ابشر خدیجه بیت فی الجنة من قصر الزمرد لا صعب فیه و لا نصب؛^۴ خدیجه و کجاست مثل خدیجه؟ زمانی که مردم تکذیب کردند، مرا تصدیق کرد. بر دین خدا یاری ام کرد

۱. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمة فی معرفة الأئمة، ج ۱، ص ۳۶۰؛ بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۱۳۱.

۲. علی محمد علی دخیل، خدیجه علیها السلام، ترجمه ی فیروز حریرچی، ص ۱۵.

۳. ابن سعد، طبقات الکبری، ج ۱، ص ۱۳۲.

۴. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمة فی معرفة الأئمة، ج ۱، ص ۳۶۰؛ مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۱۳۱.

و با مالش به کمکم شتافت. خدا به من فرمان داد تا او را به قصری زمردین در بهشت که سختی و محنتی در آن نیست، بشارت دهم.» از اعتراض عایشه و پاسخ نبی خدا مبنی بر «خدیجه و این مثل خدیجه» روشن می‌گردد که منظور پیامبر حمایت‌ها و رفتار حضرت خدیجه است.

اصبغ بن نباته می‌گوید: عصر روز جمعه در مسجد در حضور علی علیه السلام بودیم که مردی بلندقامت به نام سواد بن قارب خدمت امام آمد. او بعد از ردوبدل شدن مطالبی گفت: از یمن سوار بر شتر شدم و به سوی مکه آمدم. با نخستین کسی که روبه‌رو شدم ابوسفیان بود. بر او سلام کردم و پیرامون خاندان قریش پرسیدم، گفت: مشکلی نیست فقط یتیم ابوطالب دین ما را فاسد کرده است. گفتم نام او چیست؟ گفت: محمد و احمد. پرسیدم کجاست؟ گفت با خدیجه دختر خویلد ازدواج کرده و در خانه اوست. مهار شتر را کشیدم و به خانه خدیجه رفتم و در زدم. خدیجه پشت در آمد و پرسید: کیستی؟ خود را معرفی کردم و گفتم: می‌خواهم با محمد ملاقات کنم. او این‌گونه پاسخ داد: «اذهب الی عملک ماتذرون محمدا یاویه ظل بیت قد طردتموه و هریتموه و حصتموه اذهب الی عملک؛ به دنبال کار خود برو، محمد را رها نمی‌کنید تا در پناه خانه‌اش بیاساید. شما او را از خود دور کردید و فراری دادید و در مقابلش سنگربندی کردید، برو به دنبال کارت.» پیامبر فرمود: ای خدیجه در را بگشا، وقتی وارد شدم سیمای نورانی پیامبر را دیدم و به رسالت او ایمان آوردم و بعد از وداع به یمن برگشتم.^۵

بار دیگر که ابوباشان عرب با سنگ حضرت را زخمی کردند و در پی او تا خانه خدیجه آمدند و خانه را سنگ‌باران کردند، خدیجه بیرون آمد و گفت: آیا از سنگ‌باران کردن خانه زنی که نجیب‌ترین قوم شماست، شرم ندارید؟ و مردم با شنیدن این سخن شرم‌منده و متفرق شدند و آن‌گاه خدیجه به مداوای همسرش شتافت. در همین واقعه بود که پیامبر از سوی خداوند به او سلام رساند و خدیجه در برابر سلام الهی گفت: «ان الله هو السلام و منه السلام و علی جبرئیل

۵. مفید، محمد بن محمد الاختصاص مفید، ص ۱۸۱؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۸، ص ۹۸.

السلام و علیک یا رسول الله السلام و برکاته»^۶

پایداری و شکیب قهرمانانه خدیجه علیها السلام — در برابر توفان مشکلات، کارشکنی‌ها، زخم‌زبان‌ها، تمسخرها، خشونت‌ها، داغ و درفش‌ها، تبعیدها و رنج‌ها پابه‌پای پیامبر چیزهایی نیست که تاریخ و حافظه تاریخی پژوهشگران آن‌ها را از یاد ببرد و این گام دیگر آن بانوی تاریخ‌ساز در پیشرفت دین و نجات جامعه بود. از این‌رو، خدیجه نخستین بانویی است که دست بیعت به پیامبر داد و دلیرانه پیمان بست که از پیامبر دفاع کند و به این پیمان وفادار ماند و فداکاری‌ها کرد. امام صادق علیه السلام فرمود: «هنگامی که علی و خدیجه اسلام آوردند، پیامبر روزی آن دو را فراخواند و فرمود: شما برای تقرب به خدا اسلام آورده و در برابر برنامه آسمانی سر فرود آورده‌اید، اینک اگر در موضع خود استوارید، باید با خدا و پیامبرش بیعت کنید. آن‌گاه آن دو با خدا و پیامبر، برای فداکاری تا پای جان، بیعت کردند.»^۷ بدین‌سان خدیجه دوشادوش امیر مؤمنان و همفکر با او اسلام آورد؛ به بالاترین مراحل ایمان و پروا اوج گرفت و در پیمایش راه کمال، پس از علی علیه السلام — دست بیعت به پیامبر آزادی داد.

خدیجه، زنی نمونه در تمام مراحل زندگانی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، به‌ویژه در مراحل دعوت آن حضرت بود. او، همسری همراه، مهربان و دلسوز برای آن حضرت به شمار می‌رفت. وی نه‌تنها بعد از رسالت پیامبر حامی رسول خدا بود بلکه سال‌ها پیش از بعثت، هنگامی که محمد صلی الله علیه و آله طبق عادت هر ساله برای مدتی برای عبادت به کوه حرا می‌رفت تا خود را آماده دریافت وحی نماید، حضرت خدیجه ضمن همدلی با او، پیوسته او را پشتیبانی می‌کرد. گاه با بردن توشه غذا برای آن حضرت، در پایین کوه حرا ایشان را ملاقات می‌کرد و همچنین هنگامی که آن حضرت در غار حرا به نبوت برگزیده شد و نخستین وحی الهی را دریافت کرد، وی اولین زنی بود که آن حضرت را تصدیق کرد و همه ثروت و دارایی خویش را در راه دعوت رسول خدا صلی الله علیه و آله ایثار کرد.^۸

۶. ابن عبدالبر، استیعاب، ج ۴، ص ۱۱۱؛ ابن اثیر، اسد الغابه، ج ۵، ص ۴۳۸.

۷. مجلسی، بحار ج ۱۸، ص ۲۳۳.

۸. بلاذری، انساب الاشراف، ج ۱، ص ۱۱۶.

شکستن تحریم (حمایت سیاسی - اقتصادی)

یکی از بزرگ‌ترین تهدید و خطری که پیامبر گرامی اسلام و یارانش را در آغاز رسالت مورد تهدید جدی قرارداد، محاصره‌ی اقتصادی بود که به مدت سه سال از سال هفتم تا دهم بعثت ادامه داشت. نقش حضرت خدیجه علیها السلام، به‌عنوان حامی پیامبر در زمینه‌ی روحی و معنوی و حتی به‌عنوان حامی مالی، بسیار برجسته و قابل توجه است. حمایت اقتصادی - سیاسی حضرت خدیجه در واقع کلید شکست این تحریم اقتصادی و محاصره بود که این تحریم قبل از آن‌که اقتصادی باشد سیاسی به حساب آمد زیرا باهدف به‌زانو درآوردن اسلام عزیز بود. خدیجه علیها السلام قبل از این‌که با رسول خدا صلی الله علیه و آله ازدواج کند، از ثروتمندترین زنان جزیره‌العرب بود. بخش مهم ثروت او، از طریق تجارت به‌دست آمده بود به نظر می‌رسد، دست‌کم بخشی از ثروت حضرت خدیجه علیها السلام از طریق پدرش به وی به ارث رسیده باشد حضرت خدیجه علیها السلام اموالش را به مضاربه به مردان امینی می‌سپرد تا به سفرهای تجارتي بروند و بعد از بازگشت، سود حاصله را برابر قانون مضاربه تقسیم کنند از این‌رو، با شناختی که قبل از بعثت از درایت، راست‌گویی، امانت‌داری و اخلاق نیکوی رسول خدا صلی الله علیه و آله داشت از او خواست تا به همراه غلامش میسر، برای تجارت به شام برود.^۹ حضرت خدیجه مواد مصرفی را به چندین برابر قیمت واقعی برای کسانی که در محاصره بودند، می‌خرید و سپس به‌گونه‌ای شترانی را که گندم و خرما بارشده بودند مخفیانه روانه‌ی شعب ابی‌طالب می‌نمود و گاهی هم به حکیم بن حزام بن خویلد برادرزاده‌اش سفارش می‌کرد تا شتران را با بار گندم به شعب براند و از این طریق گندم‌ها را به محاصره‌شدگان در شعب می‌رساند.^{۱۰}

در ماجرای محاصره شعب ابی‌طالب، در سال‌های نخست بعثت، یار و غمخوار پیامبر صلی الله علیه و آله بود. هنگامی که مشرکان مکه بر تحریم اقتصادی و اجتماعی بنی‌هاشم، هم‌پیمان شدند و آنان را در شعب ابی‌طالب محصور کردند و از

۹. ابن کثیر، ابوالفداء، البداية و النهاية، ج ۲، ص ۲۹۴.

۱۰. سبحانی، جعفر، تاریخ اسلام، ص ۵۹.

هرگونه ارتباط آن‌ها با قبایل دیگر ممانعت می‌ورزیدند، حضرت خدیجه با فرستادن نمایندگانی از طرف خود، سعی در متقاعد کردن ابوجهل داشت تا مانع ورود مواد غذایی به شعب ابوطالب نشود. وقتی از کار خویش نتیجه نگرفت، با کمک برادرزاده‌اش، حکیم بن حزام، برای شعب آذوقه تهیه می‌کرد.^{۱۱} اموال حضرت خدیجه علیها السلام در حمایت از بنی‌هاشم مصرف گردید تا آنجا که در روایت آمده است: «ابوطالب و خدیجه علیها السلام همه اموال خود را برای حفظ اسلام و محاصره‌شدگان انفاق نمودند.»^{۱۲} در جریان محاصره شعب ابی‌طالب، حکیم بن حزام برادرزاده خدیجه علیها السلام، شترها را می‌آورد و با آن شترها، گندم و خرما را حمل می‌کرد و با زحمت و خطر زیاد، آن‌ها را به بنی‌هاشم می‌رساند.^{۱۳} این بخشش به گونه‌ای بزرگ و خالصانه بود که خداوند آن را گرامی داشت و این کار بزرگ خدیجه علیها السلام را در ردیف نعمت‌ها و مواهب بزرگ خود، به بنده برگزیده‌اش محمد ﷺ برشمرد.^{۱۴} پیامبر ﷺ نیز همواره از بخشندگی و ایثار این بانوی گرامی، به عظمت و بزرگی یاد می‌کرد.^{۱۵}

این در حالی بود که سران قریش وقتی که از ابوطالب در تسلیم یا ممانعت از اقدامات برادرزاده‌اش ناامید شدند، در دارالندوه تشکیل جلسه دادند و پیمان بستند که تمام پیوندهای خود را با بنی‌هاشم قطع نمایند و پیامبر به‌ناچار به همراه یارانش در شعب ابوطالب اقامت گزیدند و از سران قریش افرادی مانند ولید بن مغیره، ابوجهل، ابوسفیان و... مأموریت داشتند که از خرید آذوقه و رساندن آذوقه به مسلمانان جلوگیری کنند. به‌عنوان نمونه ولید بن مغیره در بازار مکه فریاد می‌زد و می‌گفت مواد غذایی را چند برابر به یاران محمد ﷺ بفروشند و یا ابوجهل در نزدیکی شعب نگهبانی می‌داد تا کسی مواد غذایی به ساکنان شعب نرساند تا مسلمانان از گرسنگی جان‌سپارند. در این سه سال زندگی وحشتناک که

۱۱. ابن هشام، السیره النبویه، ج ۱، ص ۳۷۹؛ بلاذری، انساب الاشراف، ج ۱، ص ۲۷۲.

۱۲. و انفق ابوطالب و خدیجه جمیع مالها. مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۹، ص ۱۶.

۱۳. ابن هشام، سیره النبی، ترجمه رسولی محلاتی، ج ۱، ص ۲۲۱.

۱۴. مجلسی، بحارالانوار، ج ۳۵، ص ۴۲۵.

۱۵. ابن عبدالبر، الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۸.

مسلمانان در محاصره‌ی همه‌جانبه بودند خدیجه عَلَيْهَا السَّلَامُ مسؤولیتی عظیم داشت و اگر ثروت وی نبود آن‌ها از گرسنگی جان می‌دادند و اسلام عزیز از همان ابتدای کار به تاریخ سپرده می‌شد. خدیجه که از روی صفا و سخاوت، تمامی ثروت خود را نثار راه و هدف پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ کرد و توانست مسلمانان را از خطر جان دادن نجات داده و تا حدود زیادی مشکلات بعدی آنان را حل کند.^{۱۶} بدین ترتیب یار و یاور درد و رنج رسول خدا، تمام ثروت خود را در شعب ابوطالب صرف زاد و توشه پیامبر و رسالت مقدسش نمود.

کمک‌های مالی حضرت خدیجه عَلَيْهَا السَّلَامُ موجب غنای نسبی پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ گردید، به گونه‌ای که پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را بی‌نیاز ساخت. خداوند در مقام بیان نعمت‌های خود به پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: «خداوند تو را فقیر یافت و بی‌نیاز نمود.»^{۱۷} رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نیز همواره می‌فرمودند: «که هیچ مالی به من سود نبخشید، آن‌گونه که ثروت خدیجه عَلَيْهَا السَّلَامُ به من سود بخشید.»^{۱۸} در روایات آمده است که پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از اموال خدیجه عَلَيْهَا السَّلَامُ در راه کمک به آزادی بدهکاران یتیمان و بینویان استفاده می‌کرد. سیاست و رفتار حضرت خدیجه در حمایت از پیامبر و شکستن محاصره و تحریم شعب ابوطالب یقیناً حضرت خدیجه را یکی از مصادیق آیه شریفه *(الَّذِينَ يَنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ لَا يَتَّبِعُونَ مَا أَنْفَقُوا مَنْ لَّا أَدَّى لَهُمْ أَجْرَهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ)* نموده است که می‌فرماید: آنان دارایی‌های خویش را در راه خدا انفاق می‌کنند. آن‌گاه از پی آنچه انفاق نموده‌اند، نه منتی می‌گذارند و نه آزاری می‌رسانند (اینان) پاداششان نزد پروردگارشان محفوظ است و آنان نه بیمی خواهند داشت و نه اندوهگین می‌شوند.^{۱۹} آری، آن حضرت بدون هیچ‌گونه چشم‌داشتی، همه اموال خویش را در راه اقامه توحید در جامعه شرک‌آلود جهان عصر بعثت، در اختیار آخرین فرستاده الهی گذاشت. برای همین سیره خداپسندانه حضرت خدیجه بود که رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: ما نفعنی مال قط

۱۶. بحرالعلوم، محمدعلی، زنان صدر اسلام، ترجمه‌ی محمد علی امینی، ص ۱۱۷-۱۱۶.

۱۷. سوره ضحی آیه ۸.

۱۸. مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۹، ص ۶۳.

۱۹. سوره بقره آیه ۲۶۲.

مثل ما نفعنی مال خدیجه؛ هرگز هیچ ثروتی همانند ثروت خدیجه، به من سود نبخشید.^{۲۰}

مشاور خردمند و امین

وجود حضرت خدیجه علیها السلام عامل مهمی در زندگی رسول گرامی و حیات اسلام که در آن موقع در آغاز رشد و نمو بود، به شمار می‌رود. اگر وجود این بانو در کنار رسول اکرم و تأثیر عظیمش نمی‌بود، فقدان او بر پیغمبر صلی الله علیه و آله دشوار و گران نمی‌آمد و مرگش وجود او را مالامال از اندوه نمی‌ساخت و سال وفاتش عام الحزان (سال غم‌ها) خوانده نمی‌شد و پیامبر سال‌های دراز او را یاد می‌کرد و همواره از نعمت‌های او در امر رسالت و سهم او را در حصول به پیروزی یاد می‌کرد، لذا خدیجه بعد از شروع زندگی مشترک با پیامبر صلی الله علیه و آله در زمینه‌های مختلف حامی رسالت پیامبر گردید. حضور حضرت خدیجه علیها السلام در کنار پیامبر صلی الله علیه و آله به‌عنوان همسر و به‌عنوان وزیر مشاور، به پیامبر صلی الله علیه و آله آرامش داد و هر زمان از رنج‌ها و محنت‌ها و آزار و اذیت مشرکان به تنگ می‌آمد آغوش پرمهر خدیجه علیها السلام روح او را تسکین می‌داد.^{۲۱}

از همین روست که پیامبر گرامی اسلام هیچ‌گاه محبت‌های خدیجه همسر فداکارش را فراموش نمی‌کرد و درحالی‌که همسران بسیاری داشت و هیچ‌وقت همسران دیگرش را در سطحی برابر با خدیجه علیها السلام قرار نمی‌داد و به همین علت بود که پیامبر بارها مورد اعتراض به جهت اظهار محبت پیامبر صلی الله علیه و آله به آن بانوی بزرگوار قرار گرفت. آری خدیجه وزیر راستین اسلام و مشاور خردمند و شجاع پیامبر بود و او به یاری و حمایت بی‌دریغ و شجاعانه وی بر انبوه مشکلات و موانع چیره می‌شد و باصفای وصف‌ناپذیر او آرامش خاطر می‌یافت.

وزیر صادق

حضرت خدیجه بانویی صبور، بردبار، با شخصیت و مؤمن بود و همه

۲۰ صدوق، محمد بن علی، امالی، ص ۴۶۸.

۲۱ ابن هشام، سیره‌ی نبوی، ج ۲، ص ۳۰-۲۹.

مصیبت‌ها را در راه خدا و رسولش تحمل می‌کرد. با همه ناز و نعمتی که داشت، سه سال محاصره اقتصادی و اجتماعی شعب مکه را برای رضای خدا و پیامبرش پذیرفت و همه سرمایه اش را برای نجات مسلمانان و حمایت از اسلام صرف کرد. آن زمان که کفار قریش در برابر رسول خدا صلی الله علیه و آله همه نیروهای خود را به کار بست تا او را از دعوتش باز دارد و پیوسته به آزار و اذیت پیامبر و مسلمانان مبادرت می‌کرد و حضرت رسول صلی الله علیه و آله از سختی‌ها و مشکلات رنج می‌برد، در کنارش همسری بود که از بار اندوه‌هایش بکاهد و در غمش شریک باشد و موجب تسلی او گردد، او را کمک نماید، تنها خدیجه زن با ایمان و گرانمایه اش بود که یاور و وزیر و شریک رسول خدا صلی الله علیه و آله بود و به رغم وجود امکانات فراوان با همه سختی‌های زندگی و سرزنش زنان قریش، شرایط را تحمل کرد و در کنار رسول خدا صلی الله علیه و آله ماند و دست از حمایت آن حضرت برنداشت.

گزارش‌های متعددی درباره جایگاه خاص خدیجه نزد پیامبر صلی الله علیه و آله وجود دارد. در برخی منابع آمده است که حضرت خدیجه علیها السلام بهترین و صادق‌ترین وزیر، مشاور و مایه آرامش پیامبر صلی الله علیه و آله بود.^{۲۲} علامه مجلی نقل کرده است که: «و کانت خدیجه وزیرة صدق علی الاسلام و کان رسول الله یسکن الیها».^{۲۳}

اسطوره مقاومت

حضرت خدیجه اسطوره شجاعت و نماد مقاومت است. ایشان صبر و مقاومت را در زندگی با رسول خدا صلی الله علیه و آله پیشه خود ساخت و در برابر فشارهای مختلف مشرکان، بردباری و تحمل‌پذیری ویژه‌ای از خود نشان داد. محاصره اقتصادی شعب و رفتارهای مشرکان و منافقان تأثیر زیادی در تحلیل قوای جسمانی خدیجه علیها السلام داشت، به اندازه‌ای که به فاصله اندکی از پایان محاصره، آن بانوی بزرگواری وفات یافت. با این وصف حضرت خدیجه مقاومت زیبای را انجام داد و تحریم را پشت سر گذاشت. در واقع سیره رفتاری حضرت خدیجه علیها السلام نماد مقاومت در برابر تحریم‌ها و سیاست‌های جاهلانه ابوسفیانی‌ها

۲۲. ابن کثیر، البداية و النهایة، ج ۲، ص ۶۱.

۲۳. مجلسی، بحار الانوار: ج ۱۶، ص ۱۰ - ۱۲.

به حساب می آید و مثلث وجود پیامبر صلی الله علیه و آله، امام علی علیه السلام و خدیجه سه رکن اسلام است و به خاطر همین فداکاری و مقاومت حضرت بود که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: ماقام الاسلام الا بسيف علي و ثروه خديجه.^{۲۴}

ولایت مداری

دفاع از اصل رهبری و پیشوایی برای اداره جامعه و همچنین قبل از آن اعتراف به ولایت و جانشینی یکی از مهم ترین نشانه های رفتار سیاسی پیروان هر مکتب به حساب می آید. زیرا بعد از رهبر اختلاف در جانشینی بسیار در جوامع اتفاق می افتد. در این میان رابطه حضرت خدیجه کبری نخستین همسر رسول خدا با امام امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام رابطه مادر و فرزندی بود. این دو مانند مادر و پسر، در تمام جریان مکه اعم از خوشی ها و تلخی های زندگی رسول خدا همواره در کنار آن حضرت با او بودند.^{۲۵}

مسئله پذیرش امامت و ولایت امیرالمؤمنین، همان طور که می دانیم واقعه غدیر خم و آیه مربوط به مسئله ولایت امیرالمؤمنین در سال های آخر رسالت پیامبر اکرم نازل شد و حضرت خدیجه چند سال قبل از هجرت از دنیا رفته بود؛ اما پیامبر اکرم در زمان حیات حضرت خدیجه مسئله ولایت امیرالمؤمنین را چنانکه نقل ها روایت می کند به ایشان گوشزد می کنند و ایشان ولایت امیرالمؤمنین را می پذیرند و با ولایت امیرالمؤمنین از این دنیا می روند. چگونگی اعتراف و دفاع از ولایت حضرت امیرالمؤمنین حضرت خدیجه بدین گونه است که هنگامی رسول خدا در غار حرا به رسالت مبعوث شد، پیامبر این امر الهی و بزرگ را با حضرت امیر و حضرت خدیجه در میان گذاشت و آنان نخستین کسانی بودند که به حضرتش ایمان آوردند. رسول خدا فرمود ای علی و ای خدیجه به راستی که جبرئیل در نزد من است و از شما می خواهد که با من بیعت نمایید. پس اسلام بیاورید تا سالم بمانید و اطاعت کنید تا هدایت شوید. آن دو عرض کردند بیعت نمودیم و اطاعت می نمایم ای پیامبر خدا. آنگاه رسول خدا خطاب به

۲۴. محمدی اشتهاردی، محمد، حضرت خدیجه اسطوره ایثار و مقاومت، ص ۱۶۲.

۲۵. واردی، سید تقی، نقش همسران رسول خدا در حکومت امیرمؤمنان علیه السلام، ص ۸۲.

خدیجه علیها السلام فرمود: ای خدیجه! این علی است که مولای تو و مولای تمام مؤمنان است و پس از من پیشوای آنان خواهد بود. خدیجه در پاسخ پیامبر عرض کرد: تصدیق کردم ای رسول خدا همان طوری که فرمودی با او بیعت نمودم.^{۲۶} او با سنجیده گویی پاسخ داد: این حقیقت را گواهی می‌کنم و اینک بر این اساس با او بیعت می‌کنم و خدا و پیامبرش را بر استواری این انتخاب و بیعت، به گواهی می‌گیرم و می‌دانم که گواهی خدا بسنده است. بدین ترتیب خدیجه کبری در سنین کودکی حضرت علی علیه السلام با ایشان به‌عنوان ولی خدا بیعت نمود همان طوری که خدیجه اولین مسلمان از زنان است اولین فرد نیز بود که به ولایت علی نیز گردن نهاد؛ بنابراین سیره و رفتار سیاسی حضرت خدیجه، پذیرش ولایت حضرت علی علیه السلام و سعادت همراهی با وی در دفاع از حق و حمایت از پیامبر و سرانجام بیعت با علی به‌عنوان امیر مؤمنان به اشاره شخص پیامبر صلی الله علیه و آله است.

مدیریت، دیگر دوستی و خیرخواهی

انسان نسبت به سرنوشت فردی و اجتماعی خویش از دیدگاه آموزه‌های اسلامی، مسؤول است و نمی‌تواند در رابطه با حوادث، جریانات و واقعیت‌های پیرامون خویش بی‌تفاوت باشد. یکی از مهم‌ترین موضوعاتی که تأثیری عمده بر سرنوشت بشریت دارد؛ رهبری و مدیریت سیاسی جامعه است که برخورد مسئولانه تمامی افراد جامعه را در قبال خود طلب می‌نماید و در این رابطه جنسیت مطرح نیست و از این زاویه است که حضرت خدیجه علیها السلام همسر وفادار پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله سزاوارترین افراد برای مشارکت سیاسی و حضور در صحنه سیاست می‌باشد و علی‌رغم اشتغالات اجتماعی متعدد و خستگی‌های ناشی از کار روزانه و رسیدگی به امور خانه خود را از سیاست و مدیریت و ساماندهی امور عمومی دور نمی‌دارد و همچون سیاستمداری قهرمان در صحنه

۲۶. یا خدیجة هذا علی مولاک و مولى المؤمنین. یا خدیجة هذا علی مولاک و مولى المؤمنین. ابن طاوس، علی بن موسی، طرف من الأنباء و المناقب، ص ۱۱۸؛ مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار ج ۱۸، ص ۲۳۳؛ واردی، سیدتقی، نقش همسران رسول خدا در حکومت امیر مؤمنان علیه السلام، ص ۸۳.

اجتماع حاضر می‌شود و در دفاع از حق و عدالت تلاش می‌کند. او زندگی سیاسی و آشنایی با الفبای آن را از همان دوران خردسالی آغاز کرد و با فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی و مشکلات و مصائب بی‌شمار از نزدیک مأنوس بود؛ به دلیل همین سیاست و تدبیر خدیجه بود که وی را شخصیت موفق در امور تجارت و اجتماع گردانیده بود؛ اما پس از ازدواج با رسول خدا صلی الله علیه و آله فصلی جدید از زندگی و رفتار سیاسی ایشان آغاز می‌شود که برای تحکیم پایه‌های انقلاب نوپای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و حفظ و تداوم حکومت اسلامی، دست به احقاق حق، مشاوره و کمک گشود و در جریان سیاسی عظیمی حضوری آشکار یافت. از این رو موضع‌گیری دلیرانه و کارساز خدیجه علیها السلام — در حمایت از آیین جدید و در دفاع از امنیت آورنده آن در آن توفان جهل، گام بلند دیگری بود که به تدریج راه را گشود و برای پیامبر فرصت‌سازی کرد تا آیینش را در چشم‌انداز همگان قرار دهد. آن حضرت بزرگ‌ترین کمک‌کار و یاور پیامبر گرامی در راه رسیدن به اهداف عالی‌اش قبل و بعد از بعثت بود. وی که خود از اشراف و ثروتمندان مکه بود^{۲۷} و با همه‌ی ثروتی که داشت برخلاف اشراف مکه تا جای که می‌توانست به بینوایان و ایتام نیز کمک می‌کرد و خانواده‌های بی‌سرپرست را سرپرستی می‌نمود تا آن‌جا که او را «ام الصعاليك» و «ام الایتام» یعنی مادر بینوایان و یتیمان خواندند.^{۲۸}

۲۷. آئینه‌وند، صادق، تاریخ زنان صدر اسلام، ص ۴۳.

۲۸. محلاتی، سیدهاشم، زندگانی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، ص ۸۷.

نتیجه

بانوی بزرگوار اسلام حضرت خدیجه کبری علیها السلام نقش بسیار مهمی در آغاز دعوت اسلام دارد. این بانوی بزرگوار نخستین کسی است که دعوت پیامبر صلی الله علیه و آله را با همه وجود پذیرفت و آن حضرت را تصدیق نمود. نه تنها در شرایط نامساعد آن روز به پیامبر ایمان آورد که با مال، مدیریت و درایتش پیامبر خدا و دین نوپای او کمک بسیار نمود. حضرت خدیجه با اشاره به دشمنی‌های فراوان و سنگ اندازی‌های سران مشرک مکه بعد از دعوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به اسلام، کسانی که بدون هیچ منطقی با دشمنی و سرسختی با اسلام مواجه می‌شدند و وقتی حضرت باحالتی بسیار سخت از برخورد با مشرکان به خانه برمی‌گشت، این حضرت خدیجه علیها السلام بود که با معرفتی که به ساحت آن وجود مقدس داشت، فضایی را فراهم می‌کرد که پیامبر صلی الله علیه و آله تمام غم و اندوه برخورد با مشرکان را با ورود به خانه، فراموش می‌کرد. حضرت خدیجه پشتوانه بزرگ و بسیار مؤثری برای دعوت پیامبر صلی الله علیه و آله و در زندگی شخصی و حیات اسلام به شمار می‌آمد به گونه‌ای که رسول خدا سال فقدانش را سال اندوه نامید. از این جا می‌توان به این راز پی برد که چرا پیامبر او را آن قدر دوست می‌داشت و احترام می‌نمود و در کوران‌های زندگی او را از مشاوران خردمندش می‌پنداشت و به دیدگاه او اهمیت می‌داد. چرا همواره «خدیجه» و شایستگی‌های او بر زبانش بود و هر آنچه از آن یار پرشکوه نشان داشت، برایش احترام‌انگیز بود و برای بستن دهان حسودان، تأکید می‌کرد: «ما قام ولا استقام الدین الا بسیف علی و مال خدیجه» «اسلام، به برکت چند عامل، گسترش و پایداری یافت که از جمله آن‌ها، شهادت علی و ثروت سرشار و جهاد مالی خدیجه بود.» تأثیر سیره و رفتار سیاسی حضرت خدیجه در پیشبرد اسلام کمتر از حمایت‌های اقتصادی ایشان نیست. همانطوریکه از نشانه‌های رفتارهای سیاسی حضرت خدیجه در پیشرفت اسلام مانند نشانه‌های تصدیق و تأیید پیامبر دوران بسیار سخت ابتدای بعثت و همچنین دفاع از حریم رسالت و اسلام نوپا با حمایت‌های اقتصادی - سیاسی شکستن

تحریم و ارائه نمودن مشورت‌های راهگشا و دلسوزانه و اعتراف نمودن به ولایت و جانشینی امیرالمؤمنین برمی‌آید می‌توان به این نتیجه رسید که حیات و گسترش اسلام عزیز مرهون حمایت و رهبری حضرت خدیجه در کنار پیامبر خداست که اگر مدیریت حضرت خدیجه نبود شرایط پیامبر و اسلام بسیار دشوار و گسترش اسلام قطعاً با دشواری‌های زیادی مواجه می‌شد.

منابع

- ابن اثير، على بن محمد، الكامل فى التاريخ، دارلاكتاب العربى، ۲۰۰۴.
- ابن اثير جزرى، عزالدين أبوالحسن على بن محمد، أسد الغابه فى معرفة الصحابه، بيروت، دارالفكر، ۱۹۸۹.
- ابن سعد، محمد بن سعد بن منيع الهاشمى البصرى، الطبقات الكبرى، تحقيق محمد عبد القادر عطا، بيروت، دار الكتب العلميه، ۱۹۹۰.
- ابن سيد الناس، ابوالفتح محمد، عيون الأثر فى فنون المغازى و الشمائل و السير، تعليق ابراهيم محمد رمضان، بيروت، دار القلم، ۱۹۹۳.
- ابن طاوس، على بن موسى، طرف من الأنباء و المناقب فى شرف سيد الانبياء و عترته الاطائب و طرف من تصريحه بالوصيه بالخلافه لعلى بن ابى طالب، تحقيق قيس عطار، تاسوعا، ۱۳۷۸.
- ابن عبدالبر، ابوعمر يوسف بن عبدالله، الاستيعاب فى معرفة الأصحاب، تحقيق على محمد البجاوى، بيروت، دار الجيل، ۱۹۹۲.
- ابن عساکر، على بن الحسين، تاريخ مدينة دمشق، تحقيق على شيرى، بيروت، دارالفكر، ۱۴۱۵ ق.
- ابن كثير، أبو الفداء اسماعيل بن عمر، البداية و النهاية، بيروت، دار الفكر، ۱۹۸۶.
- ابن هشام، السيره النبويه، مصطفى السقا، دارالثرات العربى، بيروت، ۱۹۸۵.
- ابن هشام، عبدالملك، السيره النبويه، ترجمه سيدهاشم رسولى محلاتى، كتابخانه اسلاميه، ۱۳۶۸.
- احمد امين، سليم، جوانب من تاريخ و الحضارة العرب فى العصور القديمة، الاسكندريه، دار العرفه، ۱۹۹۵ م.
- اربلى، على بن عيسى، كشف الغمة فى معرفة الأئمة، دارالكتاب الاسلامى، ۱۴۰۱.
- آئينه وند، صادق، تاريخ زنان صدر اسلام، نشر جهاد دانشگاهى دانشگاه الزهراء، تهران، ۱۳۶۱.
- بحرالعلوم، محمدعلى، زنان صدر اسلام، ترجمه على امينى، انتشارات

- حکمت، ۱۳۵۸.
- بخاری، ابی عبدالله محمد بن اسماعیل بن ابراهیم، صحیح بخاری، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۱ ق.
- بکری، احمد بن عبدالله، الأنوار فی مولد النبی صلی الله علیه و آله، نرم افزار جامع الاحادیث، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.
- بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الاشراف، تحقیق محمد باقر محمودی، دارالتعارف للمطبوعات، ۱۳۸۰.
- پیشوایی، مهدی، تاریخ اسلام از جاهلیت تا رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله، نشر معارف، تهران، ۱۳۸۲.
- حرانی، ابن شعبه حسن بن علی، تحف العقول، موسسه نشر اسلامی، قم، ۱۳۷۴.
- دخیل، علی محمد علی، خدیجه علیها السلام، ترجمه ی فیروز حریرچی، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۳.
- سبحانی، جعفر، تاریخ اسلام، انتشارات علمی فرهنگی، تهران، ۱۳۷۰.
- صدوق، محمد بن علی، امالی، موسسه اعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۰.
- طبرانی، سلیمان بن احمد، المعجم الکبیر، تحقیق: حمدی عبدالمجید السلفی، مکتبه ابن تیمیة، قاهره.
- طبری، محمد بنی جریر، تاریخ طبری: تاریخ الامم والملوک، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۸.
- طبری، محب الدین، الرياض النضرة فی مناقب العشرة، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۰ ق.
- قطب راوندی، سعید بن هبه الله، الخرائج و الجرائح، مطبوعات دینی، ۱۳۷۰.
- قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، قم: دارالکتب، ۱۴۰۴ ق.
- کوفی، فرات بن ابراهیم، تفسیر فرات الکوفی، وزارت ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۶۹.
- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تحقیق علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامی، ۱۳۶۷.

گلی زواره، غلامرضا، سرزمین اسلام، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، اول، ۱۳۷۲.
مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار الجامعة لدرر اخبار الأئمة الأطهار، دارالتعارف
للمطبوعات، ۱۴۲۳.

محمدی اشتهاردی، محمد، حضرت خدیجه اسطوره ایثار و مقاومت، موسسه
انتشارات نبوی، ۱۳۷۷.

مسعودی، علی بن حسین، مروج الذهب، موسسه دارالهجرة، قم، ۱۴۰۹ ق.
مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، انتشارات صدرا، تهران، ۱۳۸۲.
مفید، محمد بن محمد، الاختصاص، تحقیق علی اکبر غفاری، جامعه مدرسین،
۱۳۶۲.

واردی، سید تقی، نقش همسران رسول خدا در حکومت امیر مؤمنان علیه السلام،
مؤسسه بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۸.

واعظی، محمد جواد، وضعیت زن در جاهلیت، سال ششم، شماره چهارم،
زمستان ۱۳۸۸.

همدانی، رفیع الدین اسحاق، سیرت رسول الله، انتشارات خوارزمی، تهران،
۱۳۶۱.

BESHEER MOHAMED A new estimate of the U.S.
Muslim population: <http://www.pewresearch.org/fact-tank/2016/01/06/a-new-estimate-of-the-u-s-muslim-population/>

<http://iqna.ir/fa/news/۱۳۸۴۹۰۴>

<http://www.hamshahrionline.ir/details/۳۰۶۷۹۹>